



مستند خاطره ۲

# سدفونی برف و سنگ و سکوت

برات عزیزی

بازنویس: خسرو عباسی خودلان

www.ketab.ir



انتشارات پالیزان

بهار ۱۳۹۰

سرشناسه	: عباسی خودلان، خسرو
عنوان و نام پدید آور	: سسقفوتی برف و سنگ و سکوت: برات عزیزی، باز نویس خسرو عباسی خودلان
مشخصات نشر	: تهران: پالیزان، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۴ ص. : مهور
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۴۳-۴۳-۸-۹۰۰۰۰: ریال
یادداشت	: بالای عنوان: مستند خاطره
عنوان دیگر	: مستند خاطره
وضعیت فهرست نویسی	: فیها
موضوع	: ادبیات فارسی - - قرن ۱۴
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - خاطرات
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰: PIR1629/ع385ع2
رده بندی دیویی	: ۹۵۵۱۰۸۲۲۰۹۲:
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۳۳۲۵۵۰

سسقفوتی برف و سنگ و سکوت  
برات عزیزی  
خسرو عباسی خودلان  
مستند خاطره ۲

انتشارات پالیزان  
فراامرز پالیزدار

تهران، خیابان آفریقا، نیش خیابان کاج آبادی، پلاک ۲۰۴، طبقه سوم، واحد ۱۵  
تلفن: ۰۲۰-۴۱۷۰۷-۰۹۱۲ / ۰۶-۳۳۴-۲۲۶۵ / دورنگار: ۲۲۰۵۷۲۳۵

چاپ اول: بهار ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سایه

چاپ: معاصر

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۲۴۳ - ۴۳ - ۸

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال

به اهتمام اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان البرز



## فهرست

۷	.....	۱- مقدمه
۹	.....	۲- پایگاه ایوذر تهران و آغاز اعزام به جبهه
۲۳	.....	۳- شروع کلاس‌های آموزشی
۴۷	.....	۴- شروع تمرینات عملی
۵۹	.....	۵- پادگان حضرت ولی عصر(عج) و اعزام نیروی خیابان سمیه
۷۱	.....	۶- حرکت به سوی اندیمشک و پادگان دوکوهه
۷۹	.....	۷- یگان دریایی فرات
۸۷	.....	۸- حرکت به سوی جزیره مجنون
۱۱۵	.....	۹- حرکت به سمت مقر تیپ قائم در میاندوآب
۱۳۵	.....	۱۰- بازگشت از بناب به سمت میاندوآب و مقر تیپ قائم
۱۴۷	.....	۱۱- حرکت به سوی منطقه عملیاتی
۱۵۱	.....	۱۲- موقعیت صف در خاک دشمن

- ۱۳ - حرکت به سوی دشمن و آغاز عملیات ..... ۱۶۷
- ۱۴ - وداع با معراج گاه و مشهد شهیدان ..... ۲۲۷
- ۱۵ - بازگشت از موقعیت صف به سمت شهر بانه و مقر تیپ قائم ..... ۲۴۹
- ۱۶ - حدیث دیگران (خاطرات تکمیلی ۱) ..... ۲۶۷
- ۱۷ - حدیث دیگران (خاطرات تکمیلی ۲) ..... ۲۷۳
- ۱۸ - حدیث دیگران (خاطرات تکمیلی ۳) ملاقات اول با مجید مختاری ..... ۲۸۵
- ۱۹ - حدیث دیگران (خاطرات تکمیلی ۴) روایت مجید مختاری ..... ۲۸۹
- ۲۰ - جبهه و حوادث و آدم‌هایش ..... ۳۰۷
- ۲۱ - فهرست اعلام ..... ۳۱۷
- ۲۲ - اسامی رزمندگان و ..... ۳۳۳
- ۲۳ - عکس‌ها و یادها ..... ۳۴۳



[ ۶ ]

## مقدمه

این روزها آقای دکتر مهدی ملک، برادر ملک دیروز! از همکارانم، سخت مشوق و پی گیر بازنویسی و آماده سازی خاطرات اینجانب از روزها و سالهای دفاع مقدس شده‌اند و در هر فرصتی که پیش می‌آید، سراغ چند و چون آن را می‌گیرند.

هر چند خاطرات آن روزها و سال‌ها و آن جوانان پرشور و مردان گمنام و بی ادعا، بهترین و جاودانه‌ترین خاطرات من در طول زندگی است، لیکن بازگشت به آن دوران و خاطرات آن بنا به دلایلی، چندان راحت نیست. از جمله این که یادآوری خاطرات آن سال‌ها و آن دوستان، دل‌تنگی و سنگینی خاصی را بر تمام وجودم مستولی می‌کند. دوم این که از آخرین روزهای آن ایام و سال‌ها بیش از دو دهه می‌گذرد و حفظ صداقت و امانت داری در نوشتن، چندان خالی از خطا و خطر به نظر نمی‌رسد.

معتقدم که:

باید نوشت به خاطر کسانی که ندیده‌اند و نشنیده‌اند.

باید نوشت به خاطر کسانی که نمی‌خواهند ببینند و بشنوند.

باید نوشت تا دست فردا از زیبایی‌ها خالی نماند.

باید نوشت تا یاد آن مردان آسمانی در انبوه روزمره‌گی‌ها مدفون نشود.

باید نوشت تا همگانی که ندیده‌اند، بدانند که آن‌ها که بودند، چگونه مجروح

شدند، چگونه به خاک افتادند و در آخرین لحظه چه گفتند.

شاید، وقتی دیگر نیز بنویسیم که با ما بازماندگان، که‌ها، چه‌ها کردند، شاید.

برخی از ایشان را که هر یک بی‌گمان روزی در حکم هزار مرد بودند،

در چنبره‌ی دام‌ها و ملایای روزگار در بند و گرفتار دیدم. حتی تعدادی دیگر از

هم‌زمان مشترکمان، به راحتی حاضر به دادن آدرس و مشخصات آن‌ها نبودند.

ولی من با سماجت پیدایشان کردم و به سراغشان رفتم. با آغوش باز به استقبالم

آمدند و شرمندهام کردند. با وجود همه‌ی ناملایماتی که به علت گرفتاری‌شان

در این عالم خاکی داشتند وقتی در عالم خیال به صحنه‌های رزم بردمشان، چه

عاشقانه با من همراهی کردند. گویا همین دیروز بود که آن‌جا حضور داشته‌اند و

از هیچ کمکی به من برای نوشتن از رزم خود و دیگر هم‌زمان‌شان دریغ نکردند.

ولی به هر حال و بدون شک، نه من و نه کارم، از نقص و خطا مبرا نبوده و

نیستیم. امید گذشت از تقصیرات را نخست از خداوند تبارک و تعالی و بعد از

بندگان‌ش که شاید قصوری در حق آن‌ها داشته‌ام، مسئلت دارم.

